

رویکردی اقتصادی به شیوع فساد مالی در کشور

حسن دادگر*

چکیده

فساد مالی با ابعاد گوناگون آن در تمام کشورهای جهان (کم و بیش) وجود دارد. کشور ما نیز به نوعی با این عارضه دست به گریبان است و چندی است که توجه‌ها به این مسأله و لزوم مبارزه با آن معطوف شده است. فساد مالی پدیده‌ای پیچیده، چند بعدی و دارای علل و آثار چندگانه است که در ابعاد گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مطرح می‌شود و راه‌های مبارزه خاص خود را می‌طلبد.

مقاله حاضر جوانب مختلف فساد مالی، علل اقتصادی وجود و شیوع آن در کشور را بررسی، و راه کارهای مبارزه با آن را ارائه می‌کند، و با توجه به اسلامی بودن کشور، مسأله را با رویکردی ارزشی و دینی نیز مورد توجه قرار می‌دهد. از آن جا که اسلام به عوامل درونی و بیرونی معضل فساد مالی توجه دارد، راهکارهای اقتصادی مبارزه با فساد مالی در کالبد دین و ارزش‌های الهی، اطمینان بیش‌تری دارند.

به طور کلی، این مقاله با ارائه پیش‌درآمد و تعریف فساد مالی نشان می‌دهد که این عارضه در کشورهای جهان و ایران وجود داشته و پدیده‌ای عالم‌گیر است؛ سپس به علل اقتصادی شکل‌گیری و شیوع مفاسد مالی در کشور توجه می‌کند و در ادامه، آثار و پیامدهای مخرب آن را ارائه می‌کند؛ سپس به ارائه راه حل‌ها می‌پردازد. در پایان با بیان نظر اسلام درباره علل شکل‌گیری و شیوع فساد مالی، چارچوبی عملی را برای کاهش یا حذف این معضل در کشور بیان می‌کند.

مقدمه

چندی است که لزوم مبارزه با پدیده فساد مالی مطرح و تأکید می‌شود و در این باره سخنرانی‌ها و سفارش‌های بسیاری از بزرگان و مسؤولان دینی و حکومتی به چشم می‌خورد. از طرفی هر از چند گاهی از طریق رسانه‌های گروهی آگاهی می‌یابیم که فلان کارمند یا مسؤول یا فلان شخصی که هیچ نام و نشانی از او در اذهان نبوده، به جرم پرداخت رشوه یا اختلاس یا یکی دیگر از مصادیق فساد مالی مجازات و جریمه شده است و می‌شود. این پرسش در اذهان شکل می‌گیرد که این گناه و عمل پلید و غیر انسانی کی و چگونه از جامعه اسلامی یا از جهان رخت بر می‌بندد.

می‌توان ادعا کرد که فساد مالی همزاد با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده است؛ یعنی از زمان پیدایش حکومت و دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی، سوء استفاده از اختیارات و مفاسد مالی نیز شکل گرفته و همواره برای جامعه و عموم مردم تهدیدی جدی بوده و هست. فساد مالی، پدیده‌ای پیچیده، چند بُعدی و دارای علل و آثار چند گانه است که در اوضاع مختلف، نقش و نمودهای متفاوتی می‌یابد. فساد مالی، گاهی به صورت معضل ساختاری سیاست یا اقتصاد و گاهی به صورت مسأله‌ای فرهنگی و اخلاقی فردی تلقی می‌شود و می‌تواند مشروعیت نظام را به خطر بیندازد.

گر چه مسأله فساد مالی، جوامع گوناگون را می‌آزارد، وجود آن در کشور ایران به دلیل اسلامی بودن و داشتن حاکمیت دینی زشت‌تر است. باید با این پدیده، مقابله جدی، و از گسترش آن جلوگیری شود که در غیر این صورت، آزادی، توسعه سیاسی و قانونگرایی و سرانجام مشروعیت حاکمیت به خطر می‌افتد؛ زیرا قوام جامعه و رشد و بالندگی آن در گرو مبارزه با فساد مالی و افزایش روحیه ضد فساد است. با نگرش به اهداف مقدس نظام جمهوری اسلامی ایران که به ویژه کارگزاران آن می‌باید از خدمتگزاران صدیق و وفادار به مردم باشند، مصلحت نظام و جامعه ایرانی اسلامی ایجاب می‌کند برای جلوگیری از گسترش فساد و کاهش میزان آن، مدیران و مسؤولان مربوط، بدون کوچک‌ترین اغماض و بر اساس مسؤولیت اجتماعی و وجدانی خویش در قبال جامعه عمل کنند؛ به همین جهت، مقام معظم رهبری در بیانی فرموده است:

امروز مهم‌ترین بخش اصلاح در این کشور، عبارت از مبارزه با فقر و فساد و تبعیض است (جمالی،

۱۳۸۰: ۶۸).

از طرف دیگر، کشور ما که خود را به الگو ساختن از نظام علوی مفتخر می‌داند، لازم است فاصله خویش را با جامعه آرمانی علوی کم کند و فضای مطمئن مورد نیاز را مهیا سازد و این ممکن نیست،

مگر آن که به مبارزه جدی با عوامل مخرب چون فساد مالی در سر راه پیشرفت جامعه دست زنیم. همچنین لازم است توجه شود که شجاعت و بلوغ‌نگری جامعه، این نیست که ناهنجاری‌هایی چون فساد مالی را پنهان کند و بحث از آن‌ها را جزو امور ممنوع قرار دهد؛ بلکه بلوغ فکری و صلاحیت ما برای توسعه در آن است که بتوانیم با شجاعت و عالمانه با چنین ناهنجاری‌هایی برخورد و مقابله کنیم.

تعریف فساد مالی

تاکنون تعاریف بسیاری از فساد مالی شده است و برخی صاحب‌نظران، تعاریفی جدی از آن ارائه می‌کنند. کلمه «فساد» از ریشه «فسد» بوده که به معنای جلوگیری از انجام اعمال درست و سالم است و در زبان انگلیسی با عنوان «Corruption» و ریشه لاتینی «rumpere» مطرح می‌شود که به معنای شکستن و نقض کردن است، و چیزی که شکسته یا نقض می‌شود می‌تواند قوانین و مقررات یا قواعد اداری باشد (تانزی، ۱۳۷۸: ۱۸۲ و ۱۸۳). بدین معنا، فساد یعنی هر پدیده‌ای که مجموعه‌ای را از اهداف و کارکردهای خود باز دارد.

به هر نوع تصرف غیر قانونی در اموال دولتی و سوء استفاده از موقعیت و استفاده غیر قانونی از اختیارات و قدرت در جهت استفاده از امکانات مالی، فساد مالی اطلاق می‌شود که دارای مصادیقی چون اختلاس، رشوه، اخاذی، و رانت‌های اقتصادی،^۳ برداشت و دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه و اموال، استفاده از امتیازات و بهره‌برداری‌های مالی و اشکال گوناگون دیگر است. به عبارت خلاصه، فساد مالی، سوء استفاده از مقام و موقعیت دولتی (عمومی) برای کسب منافع شخصی است (استر فلد، بی‌تا: ۱۳ - ۲۰).

در دهه‌های اخیر، برخی از صاحب‌نظران به عللی که اکنون منسوخ شده، وجود و شیوع فساد مالی را تسهیل‌کننده و «گریس» توسعه می‌دانستند و مدعی بودند که فساد مالی و انجام مصادیق آن، راهی مؤثر برای دور زدن مقررات مزاحم و دست و پاگیر در نظام غیر اثر بخش است و از طرفی، فساد، این امکان را به کسانی که وقت آن‌ها با ارزش است می‌دهد تا به طور مستقیم به اول صف

۳ رانت جویی (Rent seeking) یا تلاش برای کسب درآمد، همواره غیر قانونی یا غیر اخلاقی و یا حتی غیر اقتصادی نیست. از دیدگاه توسعه اقتصادی، اگر رانت به دست آمده در فرصت‌هایی برخوردار از بهره‌وری بالا، سرمایه‌گذاری مجدد شود، ماهیتی غیر اقتصادی نخواهد داشت. در بحث فساد مالی، رانت وقتی شکل می‌گیرد که فردی از فرصت‌های غیر قانونی که بر اساس موقعیت یا رابطه به دست آورده، سوء استفاده کرده و در مسیر کسب منفعت شخصی از آن بهره‌برداری کند.

بیایند یا تقدیم پروژه به شرکت‌هایی که سودآورترین هستند صورت گیرد؛ بنابراین می‌توانند بالاترین رشوه‌ها را بدهند تا به نتایج ثمر بخش تری برسند (لین، ۱۹۸۶: ۳۳۷ - ۳۴۱؛ و هانتینگتون، ۱۹۶۸: ۳۸۵ - ۳۸۷). این گروه به هیچ وجه ضایعات اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی ناشی از فساد را در نظر نمی‌گیرند. اینان فراموش می‌کنند که فساد مالی، نوعی سرقت از منابع عمومی، و به نوعی، مخرب اقتصاد جامعه است و تخصیص استعدادها نادرست صورت می‌گیرد، و افراد فاسد، تصمیم‌های نادرستی می‌گیرند؛ زیرا ترجیح می‌دهند از طرح‌های زیر استاندارد، پیچیده، پُر هزینه و سرمایه‌بر حمایت کنند و در عوض، آسان‌تر بتوانند مبالغ هنگفتی را به سود خود به دست آورند. شواهد و تحقیقات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد بین وسعت کارهای فاسد، و میزان زمانی که مدیران، صرف ملاقات با مسؤولان دولتی به منظور جلب نظر آن‌ها می‌کنند، رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. بر اساس نتایج تحقیقی، صاحبان شرکت‌هایی که رشوهٔ بیش تری می‌پردازند، در مقایسه با کسانی که رشوهٔ کم تری می‌پردازند، ناچارند یک سوم وقت بیش تری را با مسؤولان دولتی صرف کنند. این نتیجه نشان داد که لزوماً انجام کارهای فسادآمیز، زمان انجام کار را تسریع نمی‌بخشد (کافمن، ۱۳۷۷: ۲۱ - ۲۴). در قسمت‌های بعدی مقاله، پاسخ جامعی به چنین نظریاتی (در قالب بحث علل شیوع مفاسد مالی) داده خواهد شد.

مفاسد مالی در جهان

جرایمی نظیر اختلاس، ارتشا، جعل، تقلب و مفاسد مالی، جرایم جدیدی نیستند و قدمتی به اندازهٔ دولت‌ها دارند و هزینه‌های تحمیلی چنین جرایمی بر جامعه و دولت، باعث شده تا همگان بر مقابله با پدیدهٔ فساد مالی تأکید ورزند. پدیدهٔ فساد مالی، عارضه‌ای است که کم و بیش در کلیه جوامع وجود دارد و با درجه‌های گوناگونی، طی سال‌های گذشته، شمال تا جنوب، شرق تا غرب عالم را در بر گرفته است. فساد مالی پدیده‌ای عالم‌گیر است و به هیچ وجه به گروه خاصی از کشورها محدود نمی‌شود. تحقیقات بسیاری دربارهٔ رتبه‌بندی کشورهای جهان در زمینهٔ شیوع پدیدهٔ فساد مالی صورت گرفته است. اطلاعات این رتبه‌بندی بر درک تاجران خارجی است و اصلاً نمی‌تواند دلیلی بر میزان و شدت معضل فساد مالی در داخل کشورها باشد. در این رتبه‌بندی‌ها، عدد ده برای عدم وجود فساد مالی و عدد صفر برای حداکثر شیوع آن در نظر گرفته شده است. در ادامه، رتبهٔ برخی از کشورها را می‌بینیم که در سال ۲۰۰۰ میلادی از سوی «سازمان شفافیت بین‌المللی» (Transparency International) منتشر شده است (مایورو، ۱۹۹۵: ۶۸۱ - ۷۱۲).

نام کشور	نمره
لبنان	۲/۳۷
اندونزی	۲/۵۴
هند	۲/۷۲
چین	۲/۸۸
تایلند	۳/۰۶
ترکیه	۳/۲۱
برزیل	۳/۵۶
کره جنوبی	۴/۲۹
سائوی	۵/۰۱
ایتالیا	۵/۰۳
فیلیپین	۶/۰۵
ژاپن	۶/۵۷
فرانسه	۶/۶۶
اسریکا	۷/۴۱
انگلستان	۸/۲۲
آلمان	۸/۴۳
سوئیس	۸/۴۱
سنگاپور	۸/۶۶
هنگ کونگ	۸/۷۸
استرالیا	۸/۸۶
هند	۹/۰۳
کانادا	۹/۰۱
سوئد	۹/۴۵
دانمارک	۹/۸۳

در این رتبه‌بندی، نام ایران دیده نمی‌شود؛ اما در رتبه‌بندی دیگری که سازمان شفافیت بین‌المللی در اوایل دهه ۱۹۸۰ ارائه کرده، نمره ایران ۳/۲۵ بیان شده است. هر چند به دلیل وجود اشکال در صحت و سقم اطلاعات و به روز نبودن آن‌ها می‌توان خوشبینانه‌تر فکر کرد، ایران جایگاه خوبی نداشته است. خلاصه این که تمام کشورهای جهان، به نوعی با عارضه فساد مالی و ناکارایی ساختار اداری و عمومی مواجهند (دادگر، در دست چاپ: فصل اول و دوم).

آمار بانک جهانی نیز میزان فساد و ارتشا را در جهان در قالب نامعادله زیر بیان می‌کند (بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۹۰).



نامعادله پیشین نشان می‌دهد که کشورهای ضعیف و جهان سومی و کشورهایی که متمرکز هستند، درجه بالاتری از میزان فساد مالی را دارند و کشورهای توسعه یافته، کم‌تر به این مسأله دچار هستند و یا این که زمینه فساد در این گونه کشورهایی که از نظر اقتصادی قوی هستند و درجه توسعه بالاتری دارند، کم‌تر فراهم است. نکته قابل توجه در این زمینه آن است که افزون بر پیشگیری‌ها و روش‌های اجرایی که در کشورهای جهان سومی باید صورت گیرد، لازم است جامعه جهانی در این مهم به یاری آن‌ها بشتابد و این اقدام‌ها در سطح بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گیرد. متأسفانه به جای این که تلاش همگانی برای مبارزه با این معضل در سطح جهان صورت گیرد، تلاش کنونی جامعه جهانی در مبارزه با فساد نامتوازن است.

نوک تیز سیاست‌های مبارزه با مفاسد مالی در سطح جهانی، متوجه مقام‌های دولتی در نظام‌های فاسد در کشورهای جهان سومی و عقب مانده است؛ در حالی که واقعیت چیز دیگری است. منشأ بخش اعظم فعالیت‌های فسادآلود و رشوه‌ای که در تجارت بین‌المللی دست به دست می‌شود، در کشورهای صنعتی قرار دارد که اکنون بیش از دیگر کشورهای جهان ندای مبارزه با مفاسد را سر داده‌اند (فولگل، ۱۳۷۷: ۸). عدم توازن در امر مبارزه همگانی با فساد مالی در سطح جهانی، به یقین به ضرر کشورها خواهد بود و بی‌تفاوتی به فساد در کشوری، در دراز مدت به نفع کشور دیگر نخواهد

بود و همه و همه باید دست به دست هم دهند تا این معضل سرطانی را ریشه کن کنند.

فساد مالی در ایران

فساد مالی در کشور ما (ایران) در زمان‌های گذشته به شدت شیوع داشت. مقام‌های کشوری و لشکری و حتی پادشاهان آلوده بودند و پست‌های دولتی با پرداخت رشوه‌های کلان خرید و فروش می‌شد (دادگر، در دست چاپ: فصل اول). ارتشا، اختلاس و مفساد مالی در زمان پهلوی اول و دوم نیز به شدت رواج داشت، به طوری که به صورت مسأله‌ای ملی موضوعیت یافته بود و در آن زمان، «دولت با فساد و در کنار فساد زندگی کرده است و با عوامل و اسباب فساد در حال سازش دائمی و همزیستی مسالمت‌آمیز به سر برده است» (نجاتی، ۱۳۷۷: ۱۴). شاه مخلوع، برادران، خواهران و بستگان او، از سهامداران عمده بسیاری از شرکت‌های داخلی یا واسطه معامله‌های بین‌المللی و شرکت‌های خارجی بودند و از این راه رشوه‌های کلانی کسب می‌کردند (هیکل، بی تا: ۱۷۵ و ۲۱۴ - ۲۱۶). با وجود این، خاندان سلطنتی و دولت‌های وابسته به آن برای سرپوش گذاشتن فساد مالی دستگاه حاکمه، هر چند سال یک بار مبارزه ملی ضد فساد را در کشور به صورت شعار اعلام، و برخی از مقام‌های دولتی و غیر دولتی دون پایه را به اتهام فساد مالی و سوء استفاده محاکمه می‌کرد؛ اما به گفته مورخ روسی ایوانف این موارد نمی‌توانست حجم گسترده فعالیت‌های فسادآلود را که رژیم پهلوی صورت می‌داد، از نظرها دور کند و به حتم یکی از علل سقوط و انحطاط رژیم پهلوی، تبعیض و فساد مالی گسترده در داخل کشور بود (مدنی، بی تا: ۱۴۴).

با پیروزی انقلاب اسلامی، فساد مالی خود به خود به حداقل رسید؛ چرا که عاملان آن مجال جولان نیافتند؛ ولی متأسفانه رفته رفته ارزش‌های اوایل انقلاب کمرنگ‌تر شد و ما امروزه نمونه‌هایی از مصادیق فساد مالی را در کشور می‌بینیم (دادگر، در دست چاپ: فصل اول). آن چه امروزه تحت عناوین، محاکمه مفسدان مالی در بخش‌های دولتی و غیر دولتی در کشور به گوش می‌رسد می‌تواند به عزم ملی خدشه وارد کند و از اعتماد عمومی بکاهد. آن چه مقام رهبری در فرمان هشت ماده‌ای خود به سران سه قوه گوشزد کرده، نمونه‌ای از نگرانی وی و مقام‌های کشوری درباره این معضل است. نکته این جا است که گاهی فعالیت‌های فاسد ممکن است به منظور ضربه زدن به نظام اسلامی صورت گرفته، از سوی عوامل خارجی هدایت شوند که این امر بسیار خطرناک‌تر است و ما نمونه‌ای از این مورد را در سال ۱۳۷۰ در کشور شاهد بودیم (اطلاعات، ۱۳۷۰: ۱۳).

به هر حال، وجود و گسترش فساد مالی، حتی در حجم کوچک، برای کشور اسلامی ایران قابل

توجیه نیست و نمی‌توان حدی از آن را برای کشور تجویز کرد. مبارزه‌ای جدی و همگانی در تمام سطوح لازم است تا کشور از مفاسد مالی عاری شود و در این راه خطیر، تسامح در مبارزه با مفاسد، نوعی همدستی با مفسدان است. تبعیض نباید صورت گیرد و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود و از دادن شعار به جد باید بپرهیزیم تا آثار عملی مبارزه آشکار شود.

علل فساد مالی در ایران

علل بسیاری را می‌توان در شکل‌گیری و شیوع مفاسد مالی در کشور بر شمرده؛ اما همه این علل و عوامل را در قالب سه علت عمده فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌توان دسته‌بندی کرد. به حتم اگر فرهنگ جامعه در زمینه پیشگیری و مقابله جدی با معضل فساد مالی دچار ضعف باشد، این عارضه رشدی سرطانی یافته، پایه‌های جامعه را تهدید خواهد کرد. از طرفی، انگیزه رفتار آلوده به فساد، زمانی پدید می‌آید که مقام‌های سیاسی به رغم داشتن اختیارات بسیار، مسؤولیت چندانی در برابر اعمال خود ندارند و پاسخگو نیستند و جو سیاست زده حاکم نیز این امر را تشدید خواهد کرد. مسائل، مشکلات و عوامل اقتصادی نیز ممکن است باعث بروز و شیوع پدیده فساد مالی شود. این علل از مشکلات اقتصادی کلان تا مسائل کم‌اهمیت‌تر را شامل می‌شود. در ادامه بحث، این علل را به تفصیل بررسی خواهیم کرد؛ اما بهتر است در ابتدا بدانیم چه قوانینی در راه مبارزه با مفاسد مالی به کمک ما خواهند آمد.

قوانین حقوقی ایران برای مبارزه با فساد مالی

قوانین بسیاری در امر مبارزه با فساد مالی و مصادیق گوناگون آن در کشور وجود دارد. قوانین پایه را در قانون اساسی، و قوانین جزئی و تفصیلی را در قانون مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری و نیز قانون تعزیرات اسلامی می‌توان جست. در اصل سوم قانون اساسی، یکی از وظایف دولت جمهوری اسلامی برای نیل به اهداف، به کارگیری همه امکانات خود به منظور ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی عنوان شده است. از طرفی تأکید شده که هیچ‌کسی نمی‌تواند اعمال خویش را به وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی صورت دهد. در اصل ۱۴۲ قانون اساسی آمده است:

دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران، همسر و فرزندان آنان، قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که بر خلاف حق افزایش نیافته باشد.

در اصل ۱۴۹ نیز دولت موظف شده تا ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطع‌کاری‌ها و معامله‌های دولتی و ... را پس

گرفته، به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن آن، به بیت‌المال تحویل دهد. از طرفی در جای جای قانون اساسی به مسأله نظارت و بازرسی در امر مقابله با مفاسد مالی اشاره شده است. اصول ۵۲، ۵۳ و ۵۵ از جمله این قوانین هستند.

قوانین حقوقی و مدنی کشور نیز به شدت با پدیده شیوع مفاسد مالی مبارزه می‌کنند تا افزون بر فرهنگ سازی در امر مقابله با مصادیق آن، با عاملان فاسد نیز برخورد شود. در قوانین ایران، ارتکاب به اخذی و رشوه و دیگر مصادیق فساد مالی جرم شناخته می‌شود و مرتکب، مستوجب مجازات است. ماده ۶۵ قانون تعزیرات اسلامی، مصوب سال ۱۳۶۲، اخذ هرگونه وجه یا مال را برای انجام دادن یا ندادن امری که به سازمان‌های دولتی یا مؤسسه‌های وابسته به آن‌ها مربوط باشد، ارتشا شمرده، مرتکب را مستحق مجازات می‌داند اعم از این که کار و عده داده شده، انجام گرفته یا نگرفته باشد و اعم از این که انجام آن طبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد. ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری مصوب آذر ماه ۱۳۷۶، افزون بر ضبط اموال منقول و غیر منقول مرتکب او را برحسب نوع جرم به انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌کند. در روزهای اخیر نیز بحث پول‌شویی، تک نرخی کردن ارز، اصلاح سیاست‌های مالیاتی و مواردی از این قبیل در زمره اقدام‌های مقابله با شیوع مفاسد مالی هستند.

نکته این جا است که اگر مجموعه قوانین موجود یا تدوین شده با اهداف مشخص و متعالی همسویی داشته باشند می‌توان انتظار داشت که قانون، کارایی لازم را داشته باشد. از طرفی باید در قوانین مرتبط با مبارزه با مفاسد مالی توجه داشته باشیم که برای مبارزه با فساد مالی، تعیین مجازات‌هایی متناسب با میزان سوء استفاده ضرورت دارد بدین ترتیب که مجازات کارکنان متناسب با مبالغ دریافت شده و مجازات رشوه دهندگان متناسب با بهره و سودی باشد که از پرداخت رشوه کسب کرده‌اند. در کنار وضع قوانین صریح و قاطع، تکیه بر نیروی مردمی، بهترین و مطمئن‌ترین پشتوانه در راه مبارزه با فساد مالی است. عملیات موفق مبارزه با فساد مالی مستلزم حضور مردم است؛ بنابراین، برای مبارزه قاطع با مظاهر مفاسد مالی باید شناختی عالمانه و واقع‌گرایانه داشت و این شناخت را به اراده‌ای همگانی برای مبارزه تبدیل کرد.

ریشه‌ها و انگیزه‌های فساد مالی

با وجود توجه گسترده در امر مبارزه با فساد مالی، شاهد شیوع این عارضه سرطانی هستیم و این معضل، ریشه‌ها و انگیزه‌های بسیاری دارد که اهم آن‌ها عبارتند از:
- ضعف باورهای مذهبی و اعتقادات دینی؛

- نارسایی و ناکارآمدی نظام نظارت و ارزیابی؛

- نارسایی در نظارت عمومی؛

- اشکالات ساختاری در پیکره دولت؛

- نامناسب بودن امنیت شغلی؛

- سیاست زدگی نظام و اختلاف بین مسؤلان و شخصیت‌های سیاسی - اجتماعی؛

- وضعیت خاص کشور در سال‌های جنگ و سال‌های بازسازی؛

- فراموشی ادبیات انقلاب؛

- مطبوعات و جنبش دانشجویی ضعیف؛

... -

با توجه به این که می‌خواهیم مقاله را در قالب مباحث اقتصادی به سرانجام برسانیم، پیش از آن که به علل اقتصادی شکل‌گیری مفاسد مالی اشاره شود، بهتر است ببینیم چرا در جامعه اسلامی ما چنین اعمالی شایع می‌شود. عمده‌ترین علت، کم‌رنگ شدن نور ایمان در دل‌ها است. مسؤلیت‌ها به جای این که امتحان الهی تلقی شوند، وظیفه فردی شمرده شده، پلکانی برای ترقی و پیشرفت مادی هستند.* بستر فرهنگی لازم که باید بر پایه اصول و ارزش‌های معنوی و الهی استوار باشد، جای خود را به تفکر سرمایه‌داری بر اساس کسب حداکثر سود داده است؛ البته نیروهای مخلص و مؤمن در کشور ما کم نیستند؛ ولی نباید شاهد شیوع معضل فساد مالی حتی در مقدار کم آن باشیم. باید رفتار علوی، به صورت الگوی رفتاری مد نظر همه قرار داشته باشد. حضرت امام علیه السلام در این باره فرموده است:

در جمهوری اسلامی، زمامداران مردم نمی‌توانند با سوء استفاده از مقام، ثروت اندوزی کنند و یا در زندگی روزانه، امتیازی برای خود قائل شوند. باید ضوابط اسلامی را در جامعه و در همه سطوح به دقت رعایت کنند و حتی پاسدار آن باشند (صحیفه نور، ج ۲: ۲۷۹ و ۲۸۰؛ ج ۴: ۱۱۶ - ۱۲۵).

خلاصه این که اگر می‌بینیم در کشور اسلامی ما فساد مالی، سبب نارضایتی عمومی شده، با قدری تأمل می‌توان فهمید که دوری از جامعه و رفتار علوی است که برای ما مصیبت‌زا شده است. حال بحث شیوع مفاسد مالی را در کشور از دیدگاه اقتصادی بررسی می‌کنیم. دولتی بودن بخش عظیمی از اقتصاد کشور، از مهم‌ترین علت‌های شیوع فساد مالی در کشور است. در این صورت مردم

* مقام معظم رهبری در بیانی فرموده است: «همیشه فساد انسان‌ها آن وقتی شروع می‌شود که آن اختیار و امکانی که در دست آن‌ها است به صورت ابزار شخصی به حساب می‌آید، نه به صورت ابزار برای انجام وظیفه الهی». (جمالی، ۱۳۸۰: ۱۹۷)

می‌کوشند به منابع حکومتی نزدیک شده، به آن‌ها چشم دوزند و تلاش بسیاری را برای سوء استفاده از موقعیت‌ها و امتیازات دولتی مبذول دارند. در اقتصاد ماکه دولت، قدرتمندترین انحصارگر است، کارکنان به راحتی می‌توانند به هر کاری دست زده، به نفع خود یا نزدیکانشان سوء استفاده کنند. پایین بودن سطح حقوق و دستمزدها در بخش دولتی نیز از دیگر علل شیوع مفاسد مالی در کشور است؛ چراکه این مسأله باعث می‌شود تا افراد، راه‌های غیر قانونی را در تأمین معاش خود بپیمایند (رهبر و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۵). فقر نیز از مهم‌ترین علل شکل‌گیری فساد مالی است که هم علت بوده، از طرفی، معلول وجود فساد مالی در جامعه نیز به شمار می‌رود. تورّم روز افزون و روند دائم نزولی قدرت خرید مردم و بیکاری فزاینده، مردم را به کسب درآمدهای سهل الوصول و فعالیت‌های فساد آلود ترغیب می‌کند (دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۷: ۱۲۶ - ۱۲۹). نتیجه این که دولت انحصارگر و اقتصاد رانتی و تک محصولی، به همراه عواملی چون پایین بودن سطح حقوق و دستمزد، تورّم و افزایش شاخص قیمت و نیز کاهش قدرت خرید مردم، جامعه را به سمت انجام فعالیت‌های فاسد سوق می‌دهد.

آثار و پیامدهای فساد مالی

شیوع مفاسد مالی در کشور می‌تواند عوارض و پیامدهای اقتصادی بسیاری را به همراه داشته باشد؛ از جمله:

۱. **آثار منفی فساد مالی بر تخصیص صحیح منابع:** فساد مالی، کار تعقیب اصل تخصیص تهیه منابع به وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در این جا است که افراد به سمت فعالیت‌های نادرست می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل الوصول، به جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد.

ب. **آثار منفی فساد مالی بر توزیع صحیح درآمدها:** این اثر از طریق کاهش درآمدهای دولتی پدید می‌آید و این کاهش توانایی، باعث می‌شود دولت در اجرای طرح‌های عمرانی، اساسی و زیربنایی و نیز پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه ناتوان شود. الگوی نادرست درآمدها باعث رواج نابرابری‌ها و اختلاف‌های شدید طبقاتی می‌شود و در بلندمدت از تحقق کامل عدالت اجتماعی جلوگیری خواهد کرد. در این جا است که اقشار ضعیف و کم درآمد، از مزایایی رفاه اجتماعی کم‌ترین بهره را خواهند داشت؛ در توزیع درآمدها جایگاهی ندارند و سرمایه‌گذاری‌های دولتی به نفع این گروه نخواهد بود.

ج. آثار منفی فساد مالی بر کارایی اقتصادی: فساد بیش‌تر، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارایی، به فساد بیش‌تر خواهد انجامید و بین کاهش کارایی و افزایش فساد مالی دور باطلی ایجاد می‌شود که نتیجه آن، حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن و شکل‌گیری انگیزه‌های فاسد است.

د. آثار منفی فساد مالی بر رشد اقتصادی: در مجموع می‌توان گفت که تأثیر منفی عمیق فساد مالی، بر روی رشد اقتصادی و در نتیجه توسعه خواهد بود. کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلندمدت، بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت (لیت و وایدمن، ۱۹۹۹: ۱۰ - ۲۵). در مجموع می‌توان گفت که پیامدهای اقتصادی شیوع فساد مالی در کشور ما می‌تواند شامل ضد رشد و توسعه بودن مفاسد مالی، ایجاد و گسترش فقر و آثار و پیامدهای آن و نیز تغییر فرهنگ اقتصادی شود.

راه‌های کاهش فساد مالی

در برابر علّت‌های اقتصادی و پیامدهای منفی شیوع مفاسد مالی در کشورمان می‌توان راه‌های مختلفی را ارائه کرد. عمده‌ترین این راه‌ها، کاهش تصدّی‌های دولتی به شکل درست، انجام اصلاحات اقتصادی و انضباط مالی در بخش‌های خصوصی و دولتی است. بهترین سیاست برای کاهش مفاسد مالی در جامعه، تقلیل دادن فرصت‌های ارتکاب فساد از طریق کم کردن نقش دولت در اقتصاد است. این امر را باید بپذیریم که مردم در اقتصاد محور باشند و بتوان دولت را کوچک کرد و دولت نیز با حفظ اقتدار، فقط نظارت‌کننده باشد؛ البته تا زمانی که دولت به سمت شفاف‌سازی فرایندهای تصمیم‌گیری و تخصیص منابع، پاسخگویی، قانون‌گرایی و اتخاذ رویکردهای مشارکت‌جویانه حرکت نکند، هر نوع اقدام برای کم کردن تصدّی‌های دولت، نتیجه‌ای نخواهد داشت؛ بنابراین، زیر بنایی‌ترین راه مبارزه با فساد مالی در کشور، خصوصی‌سازی سالم است.

پیشبرد اصلاحات اقتصادی نیز از راه‌های مقابله با مفاسد مالی است. فعالیت‌های که به اصلاح نیاز دارند، فعالیت‌هایی شمرده می‌شوند که متضمّن اختیارات، از جمله صدور مجوزها، محدودیت‌های مقداری (سهامیه‌ها)، کنترل قیمت‌ها، اعطای قراردادهای دولتی، دادن یارانه‌ها، اعطای تسهیلات و اعتبارات ارزان، معافیت‌های مالیاتی و ... هستند. آزادسازی درست، مقرّرات زدایی اقتصاد خرد، اصلاح ساختار مالیاتی، اصلاح بودجه نویسی دولتی، شفاف‌سازی عملکردهای

بانکی و پولی و در بلند مدّت، اصلاحات سازمانی در قالب حذف وزارتخانه‌ها و سازمان‌های زاید و اصلاح خدمات اداری و نظام حقوقی در جهت اصلاحات اقتصادی باید مورد توجه قرار گیرند. در واقع همه اقدام‌های اصلاحی اقتصادی، مقرّرات زدایی و اصلاح دولت، در ساختار کلان اقتصادی نقش بسزایی در کاهش فساد مالی دارد و می‌تواند در رهایی جامعه از شیوع مفاسد مالی مؤثر باشد. از دیگر راه‌های رهایی جامعه از شرّ معضل فساد مالی، انضباط مالی است؛ یعنی استفاده بهینه از بودجه، نیروی انسانی و امکانات هر دستگاه، مؤسسه، نهاد و شرکت‌های دولتی که به ویژه از منابع عمومی منتفع می‌شوند. فقدان انضباط مالی، باعث اتلاف منابع و کاهش کارایی می‌شود و در نتیجه از توانایی دولت برای هدایت برنامه‌های گوناگونی می‌کاهد و نیز در اعتماد مردم به دولت و مسؤولان خدشه وارد می‌شود (طیبیان و حبیبی، ۱۳۷۴: ۱-۳). خلاصه این که کاهش تصدّی‌های دولتی، خصوصی‌سازی سالم، انجام اصلاحات اقتصادی در سطوح کلان و خرد و ایجاد انضباط مالی مؤثر و قوی، از جمله راه‌هایی است که در صورت اجرای آن‌ها می‌توان شاهد کاهش مفاسد مالی در جامعه بود.

مفاسد مالی از دیدگاه اسلام

در آیات قرآن، فساد در مقابل اصلاح آمده، و معنای عام آن، مقابله با احیای دوباره آموزه‌ها و دستورهای اسلام و مقابله با از میان برداشتن بدعت‌ها در حوزه بینش‌ها و منش‌های مردم است. در این چارچوب، مفاسد مالی اعمالی هستند که برخلاف آموزه‌های دینی بوده، در حوزه اقتصاد، مانع تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی‌اند. اصیل‌ترین علت بروز و شیوع مفاسد مالی در جامعه، به کار بستن دستورهای الهی و به حاشیه راندن دین است. خداوند در قرآن می‌فرماید:^{*}

و شما مسلمانان اگر آن چه را که خداوند دستور داده به کار نبندید، همانا فتنه و فساد بزرگ، روی زمین را فرا خواهد گرفت (انفال (۸): ۷۳).

به طور خلاصه، علل شکل‌گیری، بروز و شیوع مفاسد مالی را از نظر اسلام می‌توان چنین بیان کرد:

أ. عدم به کار بستن دستورهای الهی (بقره (۲): ۲۷)؛

ب. هوای نفس (مؤمنون (۲۳): ۷۱)؛

* البته در آیاتی از قرآن کریم، عبارت‌هایی به کار رفته که در تفاسیر به مفاسد مالی و مصادیق آن نسبت داده شده است؛ «سحت» و «اکل مال به باطل» از جمله چنین عبارت‌هایی هستند که برای مثال در آیه ۱۸۸ بقره و ۲۹ نساء به آن‌ها اشاره شده است.

- ج. کفران نعمت (المدثر (۷۴): ۱۵)؛
 د. ضعف تدبیر و سفاقت مدیران (یوسف (۱۲): ۷۳)؛
 ه. بی توجهی به روز قیامت (یونس (۱۰): ۴۰)؛
 و. حکومت جائر و متصدیان ستمگر (نمل (۲۷): ۳۴)؛
 ز. نبود فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه (هود (۱۱): ۱۱۶)؛
 ح. ترس از به خطر افتادن موقعیت و مسند زور و قدرت حاکمان خاطی و ناصالح (غافر (۴۰): ۲۶)؛
 ط. عدم رعایت حقوق دیگران (هود (۱۱): ۸۵)؛
 و

اگر بخواهیم آثار و پیامدهای گسترش مفاسد مالی را در جامعه از نظر اسلام فهرست وار بیان کنیم، می توان چنین عنوان کرد:

أ. تخریب عمران و آبادانی کشور و از بین رفتن نظم عمومی (بقره (۲): ۲۰۵؛ اعراف (۷): ۵۶)؛
 ب. رواج تبعیض طبقاتی (بقره (۲): ۳۰)؛
 ج. رواج فقر و بدبختی (بقره (۲): ۲۲۰)؛
 د. رواج بی عدالتی و رواج جور و ستم و پایمال کردن حقوق ستمدیدگان (مائده (۵): ۶۴)؛
 ه. در امان نبودن مردم درست کردار و جامعه (کهف (۱۸): ۹۴)؛
 و. نداشتن آسایش در دنیا و آخرت (عنکبوت (۲۹): ۳۶)؛
 و

خلاصه این که اگر فساد مالی در جامعه سیطره یابد، وحدت جامعه که پشتوانه حکومت دینی است، از بین می رود و اخلاق اجتماعی و فردی و ریشه های اعتماد در هم می ریزد و تضاد اجتماعی جایگزین وحدت می شود. اسلام، هرگز جامعه فاسد را تأیید نمی کند و با قدرت و با استفاده از اهرم های مادی و معنوی با آن مبارزه می کند و بر مردم، جامعه و حکومت اسلامی نیز در انجام این مهم تکلیف کرده است. از طرفی، با بیان عاقبت پیشینیان فاسد، مردم و حکومت های اسلامی را به درس گرفتن از عقوبت آن ها سفارش می کند.* در متون دینی، بارها انسان از ارتکاب چنین اعمالی نهی شده است. گاهی این اعمال، حرام معرفتی، و گاهی گناهی بزرگ یاد شده و در برخی موارد نیز

* به عنوان مثال، این آیات را مشاهده کنید: نحل (۱۶): ۸۸؛ رعد (۱۳): ۲۵؛ عنکبوت (۲۹): ۳۰؛ روم (۳۰): ۴۱؛ ص (۳۸): ۲۸؛ محمد (۴۷): ۲۲؛ نساء (۴): ۲۹ و مائده (۵): ۶۲ و ۶۳.

وعدۀ آتش و عذاب الاهی به عاملان آن داده شده است و مرتکبان مورد لعن خداوند قرار گرفته‌اند و حتی به اعمال فاسد در حد کفر منتسب شده است (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶ و نامه ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۲۳: ۱۰ و ۱۴؛ وسایل الشیعه، ج ۱۲: ۶۲ و ۶۳).

نتیجه این که مصادیق فساد مالی در آیات و روایات به شکل‌های گوناگونی بیان شده‌اند و همگی آن‌ها برگناه بودن و حرام بودن چنین اعمالی تأکید دارند. دین، آموزه‌های دینی و ارزش‌های اسلامی، همگی بر حرمت فعالیت‌های فساد آلود تأکید دارند؛ بدین سبب انجام چنین اعمالی با تأکیدها و دستورالعمل‌های حکومت دینی و اسلامی است.

راه حل‌های مبارزه با فساد مالی از دیدگاه اسلام

افزون بر راه حل‌های ارائه شده در قسمت‌های پیشین که مورد تأیید اسلام است؛ به طور خاص دین اسلام، چارچوبی عملی برای رهایی از شرّ معضل فساد مالی را ارائه می‌کند؛ به طوری که مبانی آن از آموزه‌های دینی و الاهی برگرفته شده و چون پشتوانه معنوی و ارزشی دارند، در صورت اجرای دقیق و کامل آن‌ها، به حتم شاهد پاکسازی جامعه خواهیم بود. مکتب اسلام بر دو نوع از عوامل اساسی در امر مبارزه با معضل فساد مالی تأکید دارد: عوامل درونی و عوامل بیرونی.

عوامل باز دارندهٔ درونی به خود انسان مربوط می‌شود و در نهاد فرد قرار دارد و بر روی انگیزه‌ها و رفتارها و برخوردهای او تأثیر می‌گذارد. دین در این حوزه، با تأکید بر مفاهیم اخلاقی خاصّی می‌کوشد افراد جامعه را به لحاظ فردی و شخصی از ارتکاب به اعمال فاسد، حرام و ممنوع باز دارد. اسلام در این بخش، بسیار کوشیده و به جدّ سرمایه‌گذاری کرده است و نیز سفارش‌های فراوانی دارد؛* مثل تأکید فراوان بر حقانیت معاد و این که تمام اعمال و رفتار انسان ثبت و ضبط می‌شود و به آن رسیدگی خواهد شد. معاد به صورت یک عنصر اعتقادی ارزشمند، نقش فوق‌العاده‌ای می‌تواند ایفا کند و روشن است که پذیرش آن به وسیلهٔ افراد جامعه چه تأثیری بر رفتار تک تک افراد دارد. حضرت علی علیه السلام در مورد توجه به معاد می‌فرماید:

یاد مرگ از دل‌هایتان رخت بر بسته ... دنیا بیش از آخرت دل‌هایتان را تسخیر کرده است. دنیای زودگذر، شما را از آخرت که بی شک آمدنی است، دور کرده. ... چیست که به اندک چیزی که از دنیا به دست می‌آورد، شادمان می‌شوید و از آن همه چیز که از دست می‌دهید، اندوهگین نمی‌شوید ... به گونه‌ای که گویی دنیا جای درنگ همیشگی شما، و نعمت دنیا برایتان ماندنی است (نهج البلاغه، خطبه ۱۱۲ و حکمت ۱۸۳)؛

* از جمله آیاتی که به ایجاد تقوا و باورهای عمومی و گسترش آن در جامعه تأکید داشته می‌توان این آیات را نام برد: قصص (۲۸): ۷۷ و ۸۳؛ مائده (۵): ۳۲؛ بقره (۲): ۲۷ و ۲۰۵؛ اعراف (۷): ۵۶؛ رعد (۱۳): ۲۵.

بنابراین، بهترین عامل و انگیزه قوی برای ایجاد خود کنترلی، ایمان و اعتقادات دینی است و از این میان، اعتقاد به معاد و قیامت نقش بسزایی دارد. این اعتقاد اگر ریشه بگیرد می تواند باعث تغییر بنیادی در بینش و منش افراد شود و زهد و قناعت، پرهیز از دنیا زدگی، بر حذر بودن از تمرکز ثروت و بسیاری از مصادیق فساد مالی را در پی داشته باشد؛ البته دین فقط به عوامل درونی بسنده نکرده و برای آن هایی که به ندای درونی خود توجهی ندارند، اهرم ها و ضمانت های کنترل بیرونی را قرار داده است که شامل وظایف مردم، دولت و حکومت اسلامی در جامعه شود. دولت باید با ساختار نظارتی مشخص و دقیق بر فعالیت های دولتی و غیر دولتی نظارت، و افراد خاطی یا گروه های فاسد را شناسایی کند و به نظام قضایی کارآمد و هوشیار تحویل دهد. عموم مردم نیز وظیفه دارند با در نظر داشتن معرفت دینی و تربیت اسلامی، بر نهادها و گروه های دولتی و غیر دولتی و حتی مسؤولان نظارت کنند و خود را در این زمینه مسؤول بدانند. در این میان، امر به معروف و نهی از منکر، نقش کلیدی و اساسی دارد؛ چرا که هم در حوزه نظارتی دولتی و هم در حیطه نظارت مردمی مصداق عملی می یابد.^{**}

متأسفانه این مسأله در حال حاضر و در اذهان عمومی جامعه معنای گسترده خود را از دست داده و به موارد خاصی منحصر شده است. دیدگاه محدود به این مطلب باعث شده تا جامعه، به آن مفهوم واقعی که مد نظر شارع مقدس بوده، توجه نکند. خلاصه این که مسؤولیت دولت و ملت در برابر مفساد مالی در مفهوم امر به معروف و نهی از منکر جای می گیرد. فرد جامعه مسلمان مسؤولند با هر گونه فساد و مصادیق آن برخورد کنند. اگر می توانند جلو آن را بگیرند و اگر نمی توانند به دستگاه های نظارتی ارجاع دهند تا با آن برخورد شود. اجرای درست این فرهنگ تأثیری شگرف در جلوگیری و کاهش مفساد مالی خواهد داشت.

مهم ترین اصل در کاهش مفساد مالی که از عوامل بیرونی به شمار می رود وجود مراجع نظارتی قوی در جامعه است. در جوامع اسلامی سه مرجع نظارتی وجود دارد:

۱. **نظارت خداوند:** خداوند، بر کلیه اعمال، حرکات و فکر مردم نظارت مطلق دارد.^{**} هر فرد مسلمانی پیش از هر چیز بر این اعتقاد است که رفتار، اعمال و حتی نیت های او زیر ذره بین الاهی است.

^{**} حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره نقش امر به معروف و لزوم اجرای آن در جامعه، در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می فرماید: «خداوند متعالی، مردم دوران گذشته پیش از شما را از رحمت خود دور نساخت، مگر به سبب این که امر به معروف و نهی از منکر را ترک گفتند». همچنین، درباره اهمیت و نقش امر به معروف و نهی از منکر به آیات ۱۶۴ و ۱۶۵ سوره اعراف مراجعه شود.

^{**} این آیات را ببینید: اسراء (۱۷): ۴؛ ق (۵۰): ۱۸؛ انبیاء (۲۱): ۴۷؛ کهف (۱۸): ۴۹؛ مجادله (۵۸): ۶.

ب. نظارت حکومت: منظور از نظارت دولت فقط نظارت مستقیم نیست؛ بلکه نظارت بر تمام ارکان جامعه به طور غیر مستقیم می تواند وجود داشته باشد. * کنترل و نظارت که یکی از وظایف اصلی حکومت است، از ارکان اصلی و عناصر حیاتی مدیریت سالم و کارآمد به شمار می رود.

ج. نظارت همگانی: مردم، بهترین ناظر در جهت انجام درست امور هستند. کلیه افراد جامعه یا سازمان معینی موظفند بر اساس وظیفه شرعی خود بر عملکرد دیگر اعضا و عملکرد مدیران و مسؤولان نظارت داشته باشند؛ البته این نظارت در آموزه های دینی به امر به معروف و نهی از منکر معروف است. به رغم لزوم سه مرجع نظارتی در هر جامعه ای، خود کنترلی را نیز باید تقویت کنیم و این خود کنترلی زمانی تحقق می یابد که افراد، درون خود دارای نیروی ناظر بر کارهای خود باشند و مراقبت کنند که کارها و وظایف خود را به درستی و صادقانه و عاری از هرگونه عیب و نقص انجام دهند. در مقایسه با نظارت های بیرونی، خود کنترلی، بهترین و کارآمدترین ساز و کار برای کنترل عملکرد افراد است. نقش تنبیه و تشویق نیز در این مسأله اهمیت دارد که باعث دلگرمی افراد صالح و کارآمد می شود و از طرفی، ترس و نگرانی فاسدان را در پی خواهد داشت. حضرت امیر علیه السلام در این باره می فرماید:

بدکار را به پاداش نیکوکار رنجه دار (نهج البلاغه: حکمت ۱۶۸).

مجازات مفسدان مالی

حال که بحث عوامل درونی و بیرونی در امر پیشگیری از شیوع مفاسد مالی را (به اختصار) بیان کردیم، باید برای کسانی که در چارچوب شرع قرار نگرفته اند، مجازات هایی را در نظر بگیریم و هیچ تبعیض و کوتاهی در این زمینه نباید صورت گیرد. دین اسلام درباره مجازات مفسدان مالی، حدّ معینی قرار نداده و آن را جزو تعزیرات دانسته و حکم آن بنا به تشخیص زمامدار جامعه است. حاکم اسلامی بنا به اوضاع جامعه می تواند برای مبارزه با این مفاسد، مجازات های گوناگون سختی را وضع کند. حضرت علی علیه السلام نیز پس از انجام نظارت های گوناگون، خطاکار را به شدیدترین مجازات می رساند و به حاکمان خود نیز در این زمینه به صراحت تأکید می کرد که با مفسدان مالی برخورد قاطع و صریح داشته باشند (نهج البلاغه: نامه ۵۳ و ۷۰؛ خطبه ۴۴ و حکمت ۴۷۶). برخورد قاطعانه و شدید با عاملان فساد، باعث عبرت دیگران می شود و هیچ فرد یا مسؤولی اجازه فکر کردن به ارتکاب چنین اعمالی را به خود نمی دهد؛ بنابراین اگر بخواهیم فهرست وار راه های مبارزه با شیوع

* حضرت امیر علیه السلام بر بازار، بر قیمت ها و بر عملکرد کارگزاران خود به صورت های مستقیم، غیر مستقیم، پنهانی نظارت می کرد. (بحارالانوار، ج ۱۰۰: ۱۰۲؛ ج ۴۱: ۱۰۴ و نهج البلاغه: نامه ۵۳، ۶۳ و ۷۱)

مفاسد مالی را از نظر اسلام مرور کنیم، می توان چنین عنوان کرد:

۱. تحکیم مبانی اعتقادی و ارزش های دینی؛
۲. به کارگماردن افراد صالح، عالم و عادل در رأس امور؛
۳. لزوم ساده زیستی کارگزاران حکومتی؛
۴. تلاش دولت در جهت تأمین رفاه و امنیت کارگزاران؛
۵. تحکیم موقعیت کارگزاران؛
۶. لزوم مراقبت و نصب مراقب بر کارگزاران؛
۷. نظارت دقیق و جدی بر اموال عمومی و بیت المال؛
۸. جلوگیری از تمرکز ثروت (تعديل ثروت)؛
۹. مجازات عاملان فاسد؛

۱۰. لزوم پاسخگویی به مردم از سوی مسؤلان و مجموعه دولت.*

حکومت دینی افزون بر تأکید گسترش و تقویت عوامل درونی و تقویت باورهای عمومی، به هیچ وجه مردم و جامعه را رها نکرده، به عوامل بیرونی نیز توجه دارد و با روش ها و ابزارهای بسیاری به مقابله با عاملان فاسد و محیط ناسالم بر می خیزد؛ بنابراین، اگر شاهد بروز و شیوع مفاسد مالی در نظام های اسلامی هستیم، به حتم این مسأله از تمایل و ترغیب دین به امر ارتکاب اعمال فاسد حاکی نیست؛ بلکه دین از این مسائل مبرا است. این مردم، حکومت و جامعه است که با دوری از دستورهای دینی و ارزش های اسلامی، مرتکب فعالیت های فاسد می شوند و جامعه را فاسد جلوه می دهند.

این مسأله باید مد نظر ما باشد و حساب مفسدان مالی را در کشور به حساب دین، جامعه دینی و مدیران لایق، صالح و سالم نگذاریم.

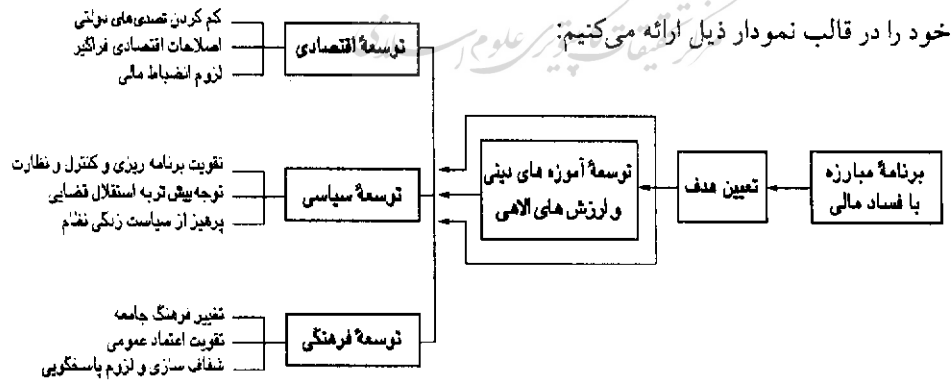
نتیجه گیری و ارائه پیشنهاد

فساد مالی عارضه ای است که در اشکال گوناگون، در تمام کشورهای جهان وجود دارد و کشور اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. فساد مالی، استفاده از موقعیت و مقام برای کسب منافع شخصی معنا می شود که مصادیق بسیاری دارد. گسترش و شیوع عارضه فساد مالی در هر جامعه ای

* حضرت امیر علیه السلام بر لزوم پاسخگویی کارگزاران خود به مردم تأکید داشت. وی در نامه ۵۳ نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر فرموده است: «اگر دیدی مردم درباره تو حرف هایی می زنند و گمان بد یافته اند، سکوت نکن و نگو به افکار عمومی کاری ندارم؛ پیش چشم مردم، شفاف عذر خود را بگو و برای آنان توضیح بده و اگر اشکالاتی در مدیریت تو وجود دارد، از مردم عذرخواهی کن.»

داری آثار و پیامدهای ناگوار بسیاری است. فساد مالی شایع، با تضعیف انگیزه‌ها، سبب زیان‌های اجتماعی و فرهنگی، با تضعیف نهادهای موجود، باعث زیان‌های سیاسی، و با توزیع ناعادلانه منابع و ضد توسعه بودن، سبب زیان‌های اقتصادی شدید می‌شود. این عوارض مخرب لزوم مبارزه‌ای فراگیر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را صد چندان می‌کند.

در کشور اسلامی ما، نپرداختن یا پرداختن ضعیف به معضل فساد مالی، معلول علت‌های بسیاری بوده و هست که در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طرح و بررسی می‌شود. وجود گسترش تمام علت‌ها نمی‌تواند و نباید ما را از اهمیت موضوع دور، و از مسیر مبارزه جدی با عارضه فساد مالی غافل کند. در مبارزه ضد مفاسد مالی باید از اساس روی روش‌های پیشگیری و نه درمان تأکید شود و پس از توجه به مسائل پیشگیری‌کننده باید سراغ درمان و روش‌های اجرایی در امر مبارزه رفت. اصلی‌ترین مسأله در امر پیشگیری، احیای معنویات، اخلاقیات و ارزش‌های دینی و نیز اشاعه فرهنگ مبارزه با فساد مالی است؛ و سپس باید به دنبال تقویت عوامل بیرونی باشیم. وجود قوانین صریح و عاری از ابهام، تقویت نهادهای نظارتی، ایجاد نهادی مستقل در امر مبارزه با مفاسد مالی، شفاف‌سازی، مقررات زدایی و انجام خصوصی سازی سالم، تقویت بیش‌تر انضباط مالی و ... از جمله مواردی هستند که در کنار تقویت عوامل درونی باید مد نظر باشند. در مجموع برای آن که راه حلی عملی برای رهایی کشور از شیوع فساد مالی ارائه کرده باشیم، الگوی پیشنهادی



در پایان باید اذعان کنیم که عملیات مبارزه با فساد مالی و مصادیق آن، کار گروهی است، و راهبردهای ویژه مبارزه با آن فقط در صورتی با کامیابی همراه خواهد بود که به شکل جامع، قاعده‌مند و سازمان یافته اجرا شوند و مشارکت همه نهادها را به همراه داشته باشد. فساد مالی، از عوامل گوناگونی ناشی است و یک سیاست خاص فقط آن را تشدید یا تضعیف می‌کند و در نتیجه، برای ریشه کنی آن به برنامه‌ای همه جانبه نیازمندیم که همگان (از بالاترین سطح تا عامه مردم) به رعایت و انجام آن ملزم باشند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. بانک جهانی: نقش دولت در جهان در حال تحوّل، ترجمه حمیدرضا برادران شرکاء و دیگران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
۴. تانزی، ویتو: مسأله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۸ ش.
۵. جمالی، مینو: اخلاق کارگزاران در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، تهران، ۱۳۸۰ ش.
۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن: وسائل الشیعه، ۲۹ جلدی، مؤسسه آل‌البیت، قم، ۱۴۰۹ ق.
۷. دادگر، حسن: فساد مالی: عوامل و راهکارهای خلاصی، مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، (در دست چاپ).
۸. دفتر بررسی‌های اقتصادی مجلس شورای اسلامی: بازشناسی مؤلفه‌های مؤثر بر اختلاس در ایران، مجلس و پژوهش، شماره ۲۵، شهریور ۱۳۷۷ ش.
۹. راوندی، مرتضی: تاریخ اجتماعی ایران، ۴ جلدی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۹ ش.
۱۰. روزنامه اطلاعات: مؤرخ ۱۳۷۰/۹/۱۲ ش.
۱۱. رهبر، فرهاد و دیگران: بازشناسی عارضه فساد مالی، ج ۱، جهاد دانشگاهی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۴ ش.
۱۲. طبیبیان، محمد و نادر حبیبی: ایجاد انضباط مالی در بخش عمومی، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی توسعه، دی ماه ۱۳۷۴ ش.
۱۳. فوگل، فرانک: مقابله جهانی با پدیده‌ای جهانی: رشوه، ترجمه ف. م. هاشمی، روزنامه سلام، مؤرخ ۱۳۷۷/۸/۷ ش.
۱۴. کافمن، دانیل: فساد: واقعیت‌ها، ترجمه اکبر شکوهی، تحوّل اداری، دوره پنجم، شماره ۱۹، آذر ۱۳۷۷ ش.
۱۵. مجلسی، محمدباقر: بحار الانوار، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. مجله اقتصادی، دوره دوم، سال اول، شماره ۸.
۱۷. مدنی، سید جلال‌الدین: تاریخ سیاسی معاصر ایران، انتشارات جامعه مدرسین، قم، بی تا.

۱۸. موسوی خمینی [امام]، روح‌الله: صحیفه نور، ۲۱ جلدی، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۵ ش.

۱۹. موسوی همدانی، سید محمدباقر: ترجمه تفسیر المیزان، ۲۰ جلدی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۶۴ ش.

۲۰. نجاتی، غلامرضا: تاریخ سیاسی یست و پنج ساله ایران، ج ۲، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۷۷ ش.

21. Huntington, Samuel P., Political order in changing societies, new Haven, Yale university press, 1968.

22. Leite, C. and J. weidmann, Does mother nature corrupt? Natural resource, corruption and economic growth, IMF, wp 85 / 99, July 1999.

23. Lien, Donald H. D. Anote on competitive bribery games, Enonomic Letters, vol. 22, 1986.

24. Mauro, Paolo, Corruption and Growth, Quarterly Journal Economic, No. 11093, 1995.

25. Osterfeld, David, Corruption and Development, Journal of Economic Growth, vol. 2, No. 4.

۱۱۶
اقتصاد اسلامی

سال سوم / پاییز ۱۳۸۲